



## چرا همه مردم با شنیدن آیات قرآن هدایت نمی‌شوند؟

محمدعلی انصاری ضمن تفسیر آیات پایانی سوره ق تصریح کرد:

محمدعلی انصاری ضمن تفسیر آیات پایانی سوره ق تصریح کرد: این کتاب ظرفیت دارد همه انسان‌ها را هدایت کند ولی همه مردم با این مایه و ظرفیت هدایتی کلام الهی هدایت نمی‌شوند چون شرط اینکه کسی از این هدایت استفاده کند این است انصاف داشته باشد و لجاج و عناد نداشته باشد.

به گزارش ایکن، جلسه تفسیر قرآن محمدعلی انصاری، مفسر قرآن کریم با محوریت تفسیر سوره ق، شب گذشته ۲۱ مردادماه به صورت مجازی برگزار شد که گزیده مباحث آن را در ادامه می‌خوانید؛

«وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّجِيسٍ؛ و چه بسا نسلها که پیش از ایشان هلاک کردیم که [بس] نیرومندتر از اینان بودند و در شهرها پرسه زده بودند [اما سرانجام] مگر گریزگاهی بود»

بعد از آنکه پروردگار پیرامون سه اصل اساسی توحید و نبوت و معاد، آیات درخشانی را مطرح کرد، در این قسمت تهدیدی در کنار آیات پیشین مطرح می‌شود. تهدیدی که از سویی برای پیامبر(ص) امیدبخش است و از سویی ناباوران مکذب را دچار هراس می‌کند. در آیات قرآن سرگذشت تمدن‌های پیشینی بیان می‌شود که در نهایت اقتدار بودند و قرآن بازگو می‌کند این اقوام کارهایی می‌کردند که مانند آن تاکنون شکل نگرفته بود و آثار آنها به لحاظ باستان‌شناسی کاملاً روشن است ولی نهایتاً هلاک شدند و امکان گریز و فرار از حاکمیت خداوند برای آنها نبود.

ملاحظه می‌کنید با این آیه تنوعی در کلام ایجاد می‌شود. پس از اینکه خداوند چهار ویژگی برای بندگان خویش مطرح کرد یکباره لحن سخن تغییر پیدا می‌کند و تهدیدی بیان می‌شود و بعد می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَاهِدٌ» یعنی قطعاً در آنچه گفتیم یادآوری عقلانی وجود دارد برای کسی که قلب داشته باشد یا القای سمع کند، در حالی که شهید باشد.

معانی مختلف جان و روح انسان

فرمود «لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ»؛ واژه قلب در قرآن کریم یکبار هم معادل با قلب فیزیولوژیک ما به کار برده نشده است بلکه از اسامی جان و روح انسان است که به کار برده می‌شود مثل صدر، فواد، روح، نفس و اسامی دیگر. هر کدام از اینها در عین اینکه معنای جان و روح انسان را می‌رسانند، ولی به لحاظ و جهتی به روح نسبت داده می‌شوند. اگر به جان انسان نفس گفته می‌شود به خاطر نفیس بودن آن است. اگر به جان انسان صدر گفته می‌شود چون بخش برتر و بالای وجود انسان صدر است. اگر به جان انسان فواد گفته می‌شود و فواد یعنی کانون آتش به لحاظ اینکه مبدا حرارت و شور و اشتیاقی است که در وجود آدمی است. قلب هنگامی به روح انسان اطلاق می‌شود که بعد استقامتی وجود انسان فعال است. چون روح سرمنشا ادراکات انسان است قلب نامیده می‌شود. بر این اساس آیه می‌فرماید اگر کسی صاحب تعقل و ادراک باشد و در این آیات بنگرد به خود می‌آید و شعله‌های اندیشه و هدایت در وجودش افروخته می‌شود.

«أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَاهِدٌ» یعنی حداقل اگر تعقل و اندیشه ندارد القای سمع کند. القای سمع یک اصطلاح است. گاهی مطلبی به گوش ما می‌خورد ولی گاهی گوش می‌سپاردیم. القای سمع یعنی استماع و گوش سپردن جدی. به عنوان مثال، سماع غیبت ایرادی ندارد ولی استماع غیبت حرام است یعنی انسان به دقت به غیبت گوش بسپارد. «وَهُوَ شَاهِدٌ» یعنی استماع او با حضور و توجه باشد. شهادت معنای سه‌گانه دارد که یکی از آنها حضور است. چرا به شهر مشهد، مشهد گفته می‌شود؟ چون محل حضور زوار ولی از اولیای الهی است. آیه می‌فرماید باید شنیدن او با تمام وجود باشد، نه به گونه‌ای که من در میان جمع و دلم جای دیگر است.

دو شرط بهره‌برداری از آیات بینات قرآن

پس معنای آیه این است در آنچه گفته شد مایه به خودآوری انسان وجود دارد و این کتاب ظرفیت دارد همه انسان‌ها را هدایت کند ولی آیا همه مردم با این مایه و ظرفیت هدایتی کلام الهی، هدایت می‌شوند؟ نه، شرط اینکه کسی از این هدایت استفاده کند این است انصاف داشته باشد، لجاج و عناد نداشته باشد. به همین جهت آیه می‌فرماید این مایه در قرآن وجود دارد که تمام غفلت‌ها را از وجود انسان بزاید ولی دو نکته می‌خواهد یکی اینکه انسان عقل و اندیشه خودش را آزاد کند و با خردورزی در

انسان ها دو گروه هستند؛ برخی آدمیان به گونه ای هستند با تعمق و تفکر با مسائل برخورد می کنند یعنی بدون اندیشه لب به سخن باز نمی کنند. این افراد استعداد و حوصله دارند عقل را به کار بیندازند و با خردورزی مسائل را تحلیل کنند. بسیاری از انسان ها ممکن است حال این رفتار را نداشته باشند بلکه اگر سخنی را بشنوند و بیسندند آن را می پذیرند ولی خودشان تعقل و تدبر نمی کنند. به همین جهت ما دو دلیل داریم: دلیل عقل و دلیل نقل.

قرآن به هر دو دلیل رسمیت می دهد. به همین جهت می فرماید کسی از قرآن بهره می برد که یا اهل اندیشه و تعقل باشد که قطعاً به ساحل نجات می رسد و از هدایت قرآن بهره مند می شود یا کسی که حجاب ها را کنار بزند و القای سمع کند و بررسی های عالمانه دیگران نسبت به آیات را بشنود در حالی که قصد بهره برداری و شنیدن دارد که این شخص هم به حقیقت می رسد.